

The Judicial Independence of the Judges of the International Criminal Court

Abstract

Judicial independence is a foundational requirement for a fair trial, institutional legitimacy, and public confidence in international criminal justice. This article examines the meaning, safeguards, and challenges of judicial independence within the International Criminal Court (ICC). Using a descriptive-analytical method, the article analyses the Rome Statute, the Rules of Procedure and Evidence, the Code of Judicial Ethics, academic literature, and case materials. The study shows that judicial independence at the ICC is multidimensional, encompassing the institutional independence of the Court and the personal independence of its judges, as well as external and internal dimensions. Although closely related to judicial impartiality, independence is distinct from it: independence concerns freedom from improper influence, pressure, threats, or interference, whereas impartiality concerns the absence, in fact and appearance, of bias or conflicts of interest. The Court's legal framework establishes safeguards including qualifications for judicial office, election procedures, fixed terms, restrictions on re-election, security of tenure, financial guarantees, privileges and immunities, limitations on incompatible activities, and mechanisms for recusal, disqualification, and replacement of judges. Judicial independence is also reflected in adjudication through rules governing chamber composition, participation in deliberations, confidentiality of deliberations, reliance on evidence presented before the Court, and written, reasoned, and public decisions. Nevertheless, these safeguards operate within a politically sensitive environment in which the Assembly of States Parties exercises electoral, administrative, and budgetary functions, the United Nations Security Council may affect the activation and continuation of the Court's proceedings through referral and deferral mechanisms, and external political and economic pressures may threaten judicial independence. Proceedings concerning Judges Kuniko Ozaki and Gocha Lordkipanidze illustrate how outside roles, prior institutional functions, conflicts of interest, and the appearance of impartiality may be addressed through procedural mechanisms. The article concludes that effective judicial independence at the ICC depends on institutional safeguards, transparent governance, effective conflict-of-interest mechanisms, reasoned adjudication, and resistance to improper political interference.

Keywords:

Judicial independence; International Criminal Court; judicial impartiality; fair trial; disqualification of judges; Rome Statute; Code of Judicial Ethics.

استقلال قضایی قضاات دیوان کیفری بین‌المللی

چکیده

استقلال قضایی قضاات در دیوان بین‌المللی کیفری شرط بنیادین دادرسی منصفانه، مشروعیت نهادی و اعتماد عمومی به عدالت کیفری بین‌المللی است. این پژوهش نشان می‌دهد استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی مفهومی چندبعدی است که استقلال نهادی دیوان و استقلال شخصی قاضی را دربرمی‌گیرد و از طریق مقررات مربوط به نحوه انتخاب قضاات، مدت مأموریت، امنیت شغلی و مالی، مصونیت‌ها، منع فعالیت‌های ناسازگار و سازوکارهای رد صلاحیت و کناره‌گیری تضمین می‌شود. همچنین استقلال در فرایند رسیدگی، اتکای رأی به ادله مطرح‌شده، محرمانگی شور قضایی و شفافیت آرای مستدل جلوه می‌یابد. با این حال، محیط سیاسی بین‌المللی، نقش مجمع دولت‌های عضو، پیوند با شورای امنیت و فشارهای بیرونی، استقلال قضایی دیوان را با چالش‌های عملی مواجه می‌سازد. از این رو، استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی اصلی هنجاری است که کارآمدی آن به کیفیت تضمین‌های نهادی و نحوه مواجهه دیوان با فشارهای بیرونی وابسته است.

کلیدواژه‌ها:

استقلال قضایی، دیوان کیفری بین‌المللی، بی‌طرفی قضایی، دادرسی منصفانه، رد صلاحیت قاضی، اساسنامه رم، آیین اخلاق قضایی.

مقدمه

دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان نهاد اصلی در نظام کنونی عدالت کیفری بین‌المللی، تصمیماتی صادر می‌نماید که غالباً پیامدهای حقوقی، سیاسی و امنیتی گوناگونی در پی دارند. از این رو، استقلال قضایی قضات در دیوان صرفاً یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه شرطی ضروری برای دادرسی منصفانه و اعتماد عمومی به برون‌دادهای قضایی دیوان است. این استقلال هم به صراحت در اسناد دیوان شناسایی شده و هم از طریق مقررات ناظر به نحوه انتخاب قضات، مدت مأموریت، مصونیت‌ها، منع فعالیت‌های ناسازگار، و سازوکارهای تعارض منافع، کناره‌گیری و رد صلاحیت پشتیبانی شده است. (Rome Statute, 1998: arts. 36(3), 36(6), 36(8)–(10),)

(40–41, 48–49; ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: rr. 34–39; ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 3–4, 10–11)

مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که استقلال قضایی قضات دیوان کیفری بین‌المللی چه معنایی دارد، چه نسبتی با بی‌طرفی و دادرسی منصفانه پیدا می‌کند و چگونه در اسناد دیوان و فرایندهای واقعی رسیدگی صورت عملی پیدا می‌کند. بر این اساس، مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که استقلال قضایی قضات دیوان کیفری بین‌المللی چگونه تضمین شده و با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر واکاوی و ارزیابی اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (از این پس «اساسنامه رم»)، قواعد دادرسی و ادله، آیین اخلاق قضایی، ادبیات منتخب و نمونه‌های پرونده‌ای در رویه دیوان می‌باشد. مقاله در چهار گفتار، به ترتیب، مبانی مفهومی، تضمین‌های حقوقی، جلوه‌های استقلال در دادرسی و تصمیم‌گیری، و چالش‌های عملی و پرونده‌ای استقلال قضایی را بررسی می‌نماید.

۱. مفهوم و ابعاد استقلال قضایی در نظام دیوان کیفری بین‌المللی

پیش از بررسی تضمین‌ها و چالش‌های استقلال قضایی، لازم است ابتدا معنای این اصل در نظام دیوان کیفری بین‌المللی و نسبت آن با مفاهیمی چون بی‌طرفی، دادرسی منصفانه و مشروعیت قضایی روشن گردد. از این رو، این گفتار ابتدا به تبیین مفهوم استقلال قضایی پرداخته و سپس ابعاد تحلیلی آن را در ساختار دیوان بررسی می‌نماید.

۱-۱. مفهوم استقلال قضایی در نظام دیوان کیفری بین‌المللی

«استقلال قضایی»^۱ در دیوان کیفری بین‌المللی پیش از آنکه یک مفهوم صرفاً نظری باشد، در متن اسناد رسمی دیوان به صورت قاعده و هنجار رفتاری بیان شده است. اساسنامه رم در گزاره‌ای صریح اعلام می‌کند که «قضات در اجرای وظایف خود مستقل‌اند» (Rome Statute, 1998: art. 40(1)) همین تصریح، مبنای هنجاری تفکیک تصمیم قضایی از ترجیحات سیاسی یا منافع دولتی در معماری دیوان است. آیین اخلاق قضایی دیوان نیز استقلال را نه فقط به عنوان وضعیت، بلکه به عنوان تعهد دائمی قضات تعریف می‌کند: قضات باید استقلال مقام قضایی و اقتدار دیوان را پاس دارند و در انجام وظایف قضایی خود مطابق این استقلال رفتار نمایند. (ICC Code of Judicial Ethics, 2022: art. 3(1)) بدین ترتیب، استقلال قضایی در ICC واجد دو لایه هم‌پیوند است: لایه نهادی (استقلال مقام قضایی و اقتدار نهاد) و لایه رفتاری/عملکردی (شیوه تصمیم‌گیری و کردار قضات در مقام عمل).

در همین چارچوب، می‌توان میان استقلال نهادی دیوان و استقلال شخصی قاضی تفکیکی به عمل آورد. استقلال نهادی ناظر به استقلال دیوان به عنوان یک نهاد قضایی و اقتدار آن در انجام کارکرد قضایی است؛ در حالی که استقلال شخصی قاضی ناظر به آن است که قاضی در تصمیم‌گیری درباره امور مطروحه نزد خود، صرفاً بر پایه واقعیت‌ها و مطابق قانون، و بدون اعتنا به محدودیت‌ها، نفوذهای ناموجه، مشوق‌ها، فشارها، تهدیدها یا مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم، عمل نماید. (Zimmermann, 2014: 74-76; ICC Code of Judicial Ethics, 2022: art. 3(1)-(2)) این گزاره در آیین اخلاق قضایی، استقلال را به معیار تصمیم‌گیری بدل می‌کند و نشان می‌دهد که استقلال در ICC صرفاً آزادی از دولت‌ها نیست، بلکه قابلیت داوری بر مبنای واقعیت و قانون در برابر طیفی از سازوکارهای فشار و نفوذ می‌باشد.

با وجود پیوند نزدیک استقلال قضایی و بی‌طرفی،^۲ این دو در منطق هنجاری ICC یکسان نیستند. (ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 3-4; Rome Statute, 1998: arts. 40-41) استقلال ناظر به مصونیت قاضی و نهاد قضایی از نفوذ، فشار، تهدید و مداخله ناموجه در انجام وظایف بر پایه واقعیت و قانون است و بیشتر بر آزادی از نفوذ و تضمین‌های ساختاری و رفتاری تمرکز دارد. (Zimmermann, 2014: 75-76, 305-307; ICC Code of Judicial Ethics, 2022: art. 3(1)-(3)) در مقابل، بی‌طرفی به کیفیت مواجهه

¹ Judicial Independence

² Impartiality

قاضی با دعوا، طرفین و موضوع اختلاف مربوط است و اقتضا دارد قاضی نه در واقع جانبدار باشد و نه در ظاهر، نزد ناظر معقول و آگاه، شائبه جانبداری یا تعارض منافع ایجاد نماید. (Seibert-Fohr, 2014: 765–766; Prosecutor v. Furundžija, 2000: paras. 182,)

189–190) بنابراین، ممکن است قاضی از تضمین‌های کلی استقلال برخوردار باشد، اما در پرونده‌ای خاص به دلیل رابطه قبلی، نفع شخصی، وظایف پیشین یا اوضاع مشابه، بی‌طرفی او محل تردید معقول قرار گیرد. (ICC Code of Judicial Ethics, 2022: art. 4(2); ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: r. 34(1); Rome Statute, 1998: art. 41(2)(a))

از این رو، استقلال و بی‌طرفی در ICC دو رکن مکمل مشروعیت دادرسی‌اند: یکی در سطح ساختار و دیگری در سطح مواجهه قضایی. (Zimmermann, 2014: 75–76; ICC)

(Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 3–4)

نسبت استقلال قضایی با بی‌طرفی و انصاف دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی به گونه‌ای طراحی شده که استقلال، شرط امکان بی‌طرفی و ظاهر آن است. اساسنامه رم مقرر می‌کند قاضی نباید در پرونده‌ای مشارکت نماید که بی‌طرفی او به طور معقول محل تردید باشد و در چنین وضعی باید از رسیدگی رد صلاحیت شود. (Rome Statute, 1998: art. 41(2)(a)) آیین اخلاق قضایی نیز بی‌طرفی را تعهدی مستقل و مکمل استقلال می‌داند و قضات را ملزم می‌کند بی‌طرفی و ظاهر آن را حفظ کرده و از موقعیت‌هایی که معقولاً تعارض منافع تلقی می‌شود، پرهیز نمایند. (ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 4(1)–(2))

بنابراین، استقلال و بی‌طرفی در دیوان کیفری بین‌المللی رابطه‌ای دوطرفه دارند: استقلال بدون بی‌طرفی در ادراک عمومی کامل نمی‌شود و بی‌طرفی نیز بدون استقلال واقعی تصمیم‌گیری آسیب می‌بیند.

ضرورت استقلال قضایی قضات در دیوان کیفری بین‌المللی، با توجه به ماهیت سیاسی و گسترده جرایم تحت صلاحیت دیوان و احتمال فشار بر قضات، اساسی است. اسناد دیوان قضات را ملزم می‌کنند که صرفاً بر پایه واقعیت و قانون، بدون تأثیرپذیری از نفوذ، فشار، تهدید یا مداخله مستقیم و غیرمستقیم تصمیم بگیرند و وظایف خود را شرافتمندانه، وفادارانه و بی‌طرفانه انجام دهند.

(Song, 2007: 6–7; ICC Code of Judicial Ethics, 2022: art. 3(2); ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: r. 5(1)(a))

همچنین، مشروعیت دیوان به اعتماد عمومی و ظاهر استقلال وابسته است و اساسنامه رم فعالیت‌های مداخله‌گر یا مخدوش‌کننده اعتماد به استقلال قضات را ممنوع می‌سازد. (Rome Statute, 1998: art. 40(2))

بنابراین، با وجود نقش مجمع دولت‌های عضو، ارجاعات شورای امنیت و اثرگذاری عواملی چون بودجه، انتخابات، سیاست‌های مجمع و اقدامات دولت‌ها، استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی

به معنای فقدان فشار بیرونی نیست، بلکه ناظر بر تضمین‌های نهادی و رفتاری برای جلوگیری از اثرگذاری این فشارها بر تصمیمات قضایی می باشد. (Rome Statute, 1998: arts. 13(b), 112(2)(b), 112(2)(d), 115(b); Steinberg, 2024: 332–334, 343; ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 3(2)–(3))

۲-۱. ابعاد استقلال قضایی در نظام دیوان کیفری بین‌المللی

برای تحلیل استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی، می‌توان چهار بُعد اصلی و به‌هم‌پیوسته را از یکدیگر بازشناخت: استقلال نهادی، استقلال فردی، استقلال بیرونی و استقلال درونی. این ابعاد، اگرچه از حیث تحلیلی قابل تفکیک‌اند، در مقام عمل با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و در فرایند اعمال صلاحیت قضایی نیز نمود می‌یابند؛ از جمله در آزادی قاضی در تفسیر حقوق، ارزیابی ادله، هدایت دادرسی و صدور رأی. افزون بر این، در ارزیابی استقلال باید میان وجود واقعی تضمین‌های استقلال و نحوه انعکاس و ادراک آن در نگاه عمومی تمایز نهاد؛ زیرا ظاهر استقلال و اعتماد عمومی، هرچند بُعدی مستقل در کنار ابعاد چهارگانه محسوب نمی‌شوند، در سنجش کارآمدی و مشروعیت این تضمین‌ها اهمیت دارند.

استقلال نهادی در دیوان کیفری بین‌المللی به معنای آن است که کارکرد قضایی دیوان به‌عنوان نهاد، از سازوکارهای راهبردی اعمال نفوذ مصون بماند. یکی از نمودهای استقلال نهادی در دیوان کیفری بین‌المللی، در طراحی حکمرانی آن آشکار می‌شود: اساسنامه رم برای مجمع دولت‌های عضو نظارت مدیریتی نسبت به ریاست، دادستان و دبیرخانه را به رسمیت می‌شناسد، اما در ادبیات موجود تصریح شده است که این نظارت با اصل عدم مداخله در فعالیت‌های قضایی و استقلال قضایی مقید می‌گردد. (Rome Statute, 1998: arts. 112(2)(b), 112(4); Steinberg, 2024: 330–332) در مقابل، ناظر بر جایگاه شخص قاضی است: قاضی باید در تصمیم‌گیری درباره امور مطروحه نزد خود، بدون تأثیرپذیری از نفوذهای ناموجه، مشوق‌ها، فشارها، تهدیدها یا مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم عمل کند و از هرگونه فعالیتی که محتمل است در وظایف قضایی او مداخله کند یا اعتماد به استقلال او را مخدوش سازد پرهیز نماید. (Rome Statute, 1998: arts. 40(1)–(2); ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 3(2)–(3))

تفکیک استقلال بیرونی و استقلال درونی در دیوان کیفری بین‌المللی اهمیت ویژه دارد؛ زیرا فشار بر دیوان یا قاضی ممکن است از بازیگران خارج از ساختار قضایی، مانند دولت‌ها و نهادهای سیاسی بین‌المللی، ناشی شود یا از سازوکارهای درون‌نهادی، از جمله

نحوه تقسیم کار، ترکیب شعب و اعمال برخی اختیارات سازمانی و انتظامی، سرچشمه گیرد (Zimmermann, 2014: 75-77, 319-320;)

(2) art. 3(2). ICC Code of Judicial Ethics, 2022). در این چارچوب، استقلال بیرونی در دیوان کیفری بین‌المللی ناظر به مصون ماندن دیوان و قضات آن از نفوذ ناروا، فشار، تهدید یا مداخله بازیگران خارج از فرایند قضایی است (Zimmermann, 2014: 75-77; ICC)

(2) art. 3(2). Code of Judicial Ethics, 2022). در مقابل، محدودیت فعالیت‌های برون‌قضایی، سیاسی و حرفه‌ای قضات در زمره تضمین‌های استقلال فردی و رفتاری آنان قرار می‌گیرد؛ از این رو، اساسنامه رم فعالیت‌هایی را که محتمل است در وظایف قضایی مداخله کند یا اعتماد به استقلال قضات را مخدوش سازد محدود کرده و رفتارنامه قضایی نیز فعالیت‌های برون‌قضایی و سیاسی ناسازگار با استقلال یا بی‌طرفی را تنظیم نموده است (Rome Statute, 1998: arts. 40(2)-(3); ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts.)

(2)-(11(3), 3(3)). در سطح محیط سیاسی بیرونی نیز اساسنامه رم سازوکارهایی را پیش‌بینی کرده است که از طریق آنها شورای امنیت می‌تواند بر روند فعال‌شدن صلاحیت و ادامه رسیدگی‌های دیوان اثرگذار باشد. از یک سو، وضعیت‌ها می‌توانند از طریق ارجاع شورای امنیت به دیوان احاله شده و از سوی دیگر، شورای امنیت می‌تواند با تصویب قطعنامه‌ای بر مبنای فصل هفتم منشور ملل متحد، توقف تحقیق یا تعقیب را برای دوره‌ای دوازده‌ماهه درخواست نماید؛ درخواستی که امکان تجدید آن نیز وجود دارد (Rome Statute, 1998: arts. 13(b), 16). در ادبیات حقوقی، این نقاط تلاقی میان حقوق و سیاست از جمله حوزه‌های حساس در ارزیابی امکان اثرگذاری ملاحظات سیاسی بر عملکرد دیوان به شمار می‌روند. با این حال، پیش‌بینی چنین اختیاراتی در اساسنامه، به‌تنهایی دلالتی بر فقدان استقلال دیوان یا قضات آن ندارد و آنچه اهمیت بیشتری می‌یابد، شیوه اعمال این اختیارات در عمل می‌باشد. در این میان، هرچند ماده ۱۶ اساسنامه رم امکان مداخله شورای امنیت در روند تحقیق یا تعقیب را فراهم می‌سازد، درباره ماهیت این اثرگذاری اتفاق‌نظر وجود ندارد؛ برخی آن را لزوماً مصداق نفوذ سیاسی ناروا نمی‌دانند، در حالی که برخی دیگر نسبت به ظرفیت این سازوکار برای خدشه‌دار ساختن تمامیت و استقلال فرایند قضایی هشدار داده‌اند. (Song, 2007: 8-9; Mahoney, 2008: 338-339).

استقلال درونی دیوان کیفری بین‌المللی را باید در دو سطح سنجید: سطح ساختار شعب و تقسیم کار قضایی و سطح فرایند شور قضایی و تولید رأی. اساسنامه رم در تنظیم ساختار شعب، از یک‌سو امکان «مدیریت کارآمد بار کاری» را به ریاست دیوان می‌دهد و حتی اجازه الحاق موقت قضات میان شعب را پیش‌بینی می‌کند، اما از سوی دیگر محدودیت مهمی مقرر می‌نماید: «قاضی‌ای که در مرحله پیش‌دادرسی مشارکت داشته باشد تحت هیچ شرایطی واجد صلاحیت برای نشستن در شعبه رسیدگی‌کننده به همان پرونده نیست». (Rome Statute, 1998: art. 40(2)-(3); ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts.)

این محدودیت نشان می‌دهد که اسناد دیوان استقلال و بی‌طرفی را نه امری صرفاً ذهنی، بلکه موضوعی مرتبط با طراحی نهادی تعارض نقش‌ها فهم کرده‌اند. در سطح شور قضایی نیز، اساسنامه رم مقرر می‌کند که همه قضات شعبه بدوی باید در هر مرحله از محاکمه و در تمام شورهای خود حاضر باشند و شورهای شعبه بدوی محرمانه باقی می‌ماند.

(Rome Statute, 1998: arts. 74(1), 74(4))

در نهایت، استقلال در تفسیر حقوق و ارزیابی ادله بعدی است که استقلال را از مرزهای سازمانی فراتر می‌برد و آن را به کیفیت استدلال قضایی و فرایند رسیدن به تصمیم پیوند می‌زند. اساسنامه رم به صراحت مقرر می‌کند که تصمیم شعبه بدوی باید بر ارزیابی ادله و کل فرایند رسیدگی مبتنی باشد و دیوان فقط می‌تواند بر ادله‌ای تکیه کند که در جلسه رسیدگی ارائه و درباره آن بحث شده است. (Rome Statute, 1998: art. 74(2)) این قاعده، رأی قضایی را به ادله و فرایند دادرسی مقید می‌سازد؛ بدین معنا که تصمیم دادگاه باید محصول ارزیابی قضایی ادله مطرح شده در محاکمه و اعمال مستقل قانون باشد، نه نتیجه اطلاعات بیرونی، فشارهای سیاسی، یا مداخلات غیررسمی.

۲. تضمین‌های استقلال قضایی قضات دیوان کیفری بین‌المللی

پس از تبیین مفهوم و ابعاد استقلال قضایی، پرسش اساسی آن است که این اصل در نظام حقوقی دیوان از طریق چه سازوکارهایی حمایت می‌شود. تضمین‌های استقلال قضات را می‌توان در دو سطح بررسی نمود: نخست، تضمین‌های قانونی و وضعیتی مربوط به مقام قاضی؛ و دوم، تضمین‌های آیینی و سازمانی ناظر بر فرایند اعمال صلاحیت قضایی.

۱-۲. تضمین‌های قانونی استقلال قضات

تضمین استقلال قضایی قضات دیوان کیفری بین‌المللی، از مرحله ورود به منصب آغاز می‌شود؛ زیرا انتخاب قاضی، تعیین دوره مأموریت، امکان یا عدم امکان انتخاب مجدد، و شرایط اخلاقی/حرفه‌ای، نقش بنیادین در میزان وابستگی و آسیب‌پذیری قاضی دارد. اساسنامه رم معیارهای کلی انتخاب قضات را به گونه‌ای صورت‌بندی می‌کند که استقلال و بی‌طرفی جزء شرایط ذاتی احراز منصب باشد: قضات باید از میان اشخاصی انتخاب شوند که دارای «خصال اخلاقی عالی، بی‌طرفی و سلامت» بوده و شرایط لازم برای انتصاب

به عالی‌ترین مناصب قضایی در کشور خود را دارا باشند. (Rome Statute, 1998: art. 36(3)(a)) همین معیار، استقلال را از سطح توصیه به سطح صلاحیت‌مندی ارتقا می‌دهد.

اساسنامه رم افزون بر معیارهای اخلاقی، برای احراز صلاحیت قضات دو مسیر حرفه‌ای مقرر می‌کند: نخست، تخصص در حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری همراه با تجربه مرتبط در امور کیفری؛ و دوم، تخصص در شاخه‌های مرتبط حقوق بین‌الملل و تجربه حقوقی متناسب با وظایف قضایی دیوان. در فرایند انتخاب نیز عواملی چون تسلط کاری به زبان‌های دیوان، نمایندگی نظام‌های حقوقی اصلی، توازن جغرافیایی و جنسیتی و برخورداری از تخصص‌های موضوعی مورد توجه قرار می‌گیرد. این معیارها با استقلال قضایی پیوند مستقیم دارند؛ زیرا از یک‌سو شایسته‌گزینی و ارزیابی نامزدها را تقویت می‌کنند و از سوی دیگر، انتخاب قضات با رأی مخفی و اکثریت کیفی در مجمع دولت‌های عضو نشان می‌دهد که آنان نماینده دولت متبوع خود نیستند، بلکه باید از اعتماد گسترده‌تر جامعه بین‌المللی برخوردار باشند. (Song, Rome Statute, 1998: arts. 36(3)(b)-(c), 36(5), 36(6)(a), 36(8)(a)-(b); Coalition for the ICC, 2023: 3; 2007: 11-12)

با این حال، واگذاری انتخاب قضات به مجمع دولت‌های عضو، به‌عنوان نهادی سیاسی - دیپلماتیک، می‌تواند در مواردی با استقلال قضایی تنش ایجاد نماید؛ به‌ویژه هنگامی که معرفی ملی نامزدها یا روند انتخاب، متأثر از ملاحظات سیاسی باشد. از همین رو، اسناد و ابتکارات ناظر بر انتخابات قضات دیوان کیفری بین‌المللی بر ضرورت شفافیت، شایسته‌سالاری و ارزیابی مستقل نامزدها تأکید کرده و استفاده از سازوکارهایی مانند کمیته مشورتی نامزدی قضات را در همین راستا مورد توجه قرار داده‌اند. (Rome Statute, 1998: art. 36(4)(c); Coalition for the ICC, 2023: 4-5, 7)

دوره مأموریت و امنیت شغلی از ارکان استقلال قاضی در دیوان کیفری بین‌المللی است. اساسنامه رم، اصل را بر دوره نه‌ساله و عدم امکان انتخاب مجدد قضات قرار داده، هرچند برای قضات منتخب در نخستین انتخابات با دوره سه‌ساله و نیز قضات جایگزین در صورت باقی‌ماندن سه سال یا کمتر از دوره، امکان انتخاب برای یک دوره کامل دیگر را پیش‌بینی کرده است. (Rome Statute, 1998: arts. 36(9)(a)-(c), 37(2)) منع انتخاب مجدد با حذف نیاز به جلب حمایت انتخاب‌کنندگان، خطر سیاسی‌شدن را کاهش داده و استقلال واقعی و ادراک‌شده قضات را تقویت می‌کند. (Zimmermann, 2014: 177-178, 329) با این حال، ملاحظات شغلی پس از پایان مأموریت همچنان می‌تواند بر استقلال اثر بگذارد؛ از این رو، محدودیت فعالیت‌های خارج قضایی و قیود پس از خدمت برای

جلوگیری از تأثیر این ملاحظات در دوران تصدی اهمیت دارد. (ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 10(1), 11(1), 12(1);)

(Seibert-Fohr, 2018: paras. 32–33)

امنیت مالی قضات نیز از تضمین‌های مهم استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی می باشد. اساسنامه رم مقرر می‌نماید که حقوق، مزایا و هزینه‌های قضات توسط مجمع دولت‌های عضو تعیین می‌گردد و در طول دوره مأموریت قابل کاهش نیست. (Brauch, 2021: paras. 1, 10; Rome Statute, 1998: art. 49) منع کاهش حقوق و مزایا مانع استفاده از فشار مالی برای اثرگذاری بر قاضی می‌شود و از این حیث، سپری ساختاری برای استقلال قضایی فراهم می‌نماید. (Song, 2007: 11) این منطق در تحلیل‌های دانشگاهی نیز تأیید شده است؛ به‌ویژه با توجه به اینکه تعیین حقوق و مزایای قضات در نظام دیوان کیفری بین‌المللی بر عهده مجمع دولت‌های عضو و در چارچوب قواعد اساسنامه است. (Brauch, 2021: para. 6)

مصونیت‌ها و حمایت‌های قانونی در اساسنامه رم، به‌مثابه بخشی از سازوکارهای حفاظتی در برابر تعقیب یا فشار حقوقی ناموجه، پیش‌بینی شده‌اند. این اساسنامه برای قضات و مقامات کلیدی دیوان، نظامی از مزایا و مصونیت‌ها مقرر کرده و در عین حال، مرجع نهادی صالح برای رفع آن‌ها را نیز مشخص ساخته است. بر این اساس، رفع مصونیت قاضی با رأی اکثریت مطلق قضات امکان‌پذیر است. (Rome Statute, 1998: art. 48; Beresford, 2002: 110–113) در این میان، کارکرد حمایتی مصونیت را نباید با فقدان مطلق پاسخ‌گویی یکسان دانست؛ چنان‌که در مطالعات تطبیقی اخیر نیز بر ضرورت ایجاد توازن میان مصونیت و استقلال قضایی از یک سو و پاسخ‌گویی در برابر رفتارهای عمدی و غیرقانونی از سوی دیگر تأکید شده است، مشروط بر آنکه سازوکار مسئولیت خود به ابزاری برای اعمال فشار بر قضات تبدیل نگردد. (سلیمان‌زاده و همکاران، ۱۴۰۴: ۷۴–۷۶)

در نهایت، ممنوعیت‌ها و قیود رفتاری، مکمل تضمین‌های وضعیتی استقلال قضات در دیوان کیفری بین‌المللی است. اساسنامه رم فعالیت‌هایی را که ممکن است در وظایف قضایی مداخله کند یا اعتماد به استقلال را مخدوش سازد ممنوع کرده، اشتغال حرفه‌ای دیگر را برای قضات تمام‌وقت منع نموده و حل اختلاف درباره این ممنوعیت‌ها را به اکثریت مطلق قضات واگذار کرده است. (Rome Statute, 1998: arts. 40(2)–(4)) آیین اخلاق قضایی نیز این رویکرد را تفصیل می‌دهد و قضات را از فعالیت‌های مخدوش‌کننده استقلال یا بی‌طرفی، تصدی وظایف سیاسی و بیان عمومی یا فعالیت‌های بیرونیِ موجد چنین ظاهری منع می‌نماید. (ICC Code of

(2)-(11), 10(1)-(2) arts. 2022 Judicial Ethics, 2022: arts. 10(1)-(2), 11(1)-(2) بنابرین، استقلال در دیوان کیفری بین‌المللی نه فقط حق قاضی، بلکه تکلیف رفتاری مستمری است که به خارج از دادگاه نیز امتداد می‌یابد.

۲-۲. تضمین‌های آیینی و سازمانی استقلال قضات

اگر تضمین‌های وضعیتی قضات شرط لازم استقلال باشد، تضمین‌های سازمانی - آیینی شرط کافی آن است؛ زیرا حتی قاضی منتخب شایسته با دوره مأموریت ثابت و حقوق غیرقابل کاهش، در صورت فقدان سازوکارهای مؤثر مدیریت تعارض منافع و رد صلاحیت، همچنان در معرض تردیدهای معقول درباره بی‌طرفی و استقلال قرار می‌گیرد. دیوان کیفری بین‌المللی این نیاز را با دو دسته سازوکار پاسخ می‌دهد: (۱) قواعد رد صلاحیت و کناره‌گیری/استعفا و ترتیبات جایگزینی؛ و (۲) قواعد کلان حکمرانی و بودجه که می‌توانند استقلال را تقویت یا تضعیف نمایند.

در خصوص رد صلاحیت، اساسنامه رم مقرر می‌نماید که قاضی نباید در پرونده‌ای مشارکت کند که بی‌طرفی او به‌طور معقول محل تردید باشد و در صورت مشارکت پیشین در همان پرونده یا پرونده کیفری ملی مرتبط نیز باید کنار گذاشته شود. دادستان یا شخص مورد تحقیق یا تعقیب می‌تواند درخواست رد صلاحیت کند و تصمیم در این باره با اکثریت مطلق قضات اتخاذ می‌گردد؛ قاضی مورد ایراد حق اظهارنظر دارد، اما در تصمیم‌گیری شرکت نمی‌نماید. (Rome Statute, 1998: arts. 41(2)(a)-(c)) بنابرین، اساسنامه رم هم معیار ماهوی تردید معقول نسبت به بی‌طرفی^۳ و هم سازوکار شکلی رسیدگی به ایراد رد صلاحیت را پیش‌بینی کرده و از این طریق، استقلال و بی‌طرفی قضایی را در برابر تعارض منافع واقعی یا ظاهری حمایت می‌نماید. (Meron, 2005: 365-367)

قواعد دادرسی و ادله، چارچوب رد صلاحیت را تفصیل داده و مصادیق آن را گسترش می‌دهند؛ از جمله نفع شخصی در پرونده، رابطه نزدیک خانوادگی، شخصی یا حرفه‌ای با طرف‌ها، مشارکت در دادرسی‌های دیگر مرتبط با شخص مورد تحقیق یا تعقیب، انجام وظایف پیشین مؤثر بر شکل‌گیری نظر درباره پرونده یا طرف‌ها، و اظهارنظرهایی که به‌طور عینی بی‌طرفی لازم را مخدوش می‌سازد. (ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: r. 34(1)(a)-(d)) همچنین، درخواست رد صلاحیت باید به‌محض آگاهی از مبنا، به‌صورت کتبی و همراه با دلایل و ادله ارائه شود و شخص مورد ایراد نیز حق دفاع کتبی دارد. (ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: r. 34(1)(a)-(d))

³ Impartiality might reasonably be doubted

(Evidence, 2002: r. 34(2)) این ترتیبات نشان می‌دهد که دیوان کیفری بین‌المللی استقلال و بی‌طرفی را امری قابل رسیدگی آیینی دانسته و برای آن سازوکارهای شبه‌دادرسی پیش‌بینی نموده است. این منطق با تحلیل‌های اخیر در حقوق داخلی نیز همسو است که با تأکید بر استقلال دادگستری و بی‌طرفی دادرس، فلسفه ایراد ردّ دادرس را تضمین بی‌طرفی قاضی و جلوگیری از اثرگذاری اظهارنظر ماهوی پیشین بر ذهنیت وی در رسیدگی بعدی می‌داند. (داوودی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۹۶-۱۹۷)

یکی از تضمین‌های آیینی مهم استقلال در دیوان کیفری بین‌المللی، تکلیف قاضی به خوداظهاری تعارض و درخواست کناره‌گیری است؛ بدین معنا که اگر قاضی وجود مبنایی برای ردّ صلاحیت خود را تشخیص دهد، باید بدون انتظار برای درخواست طرفین، خود درخواست معافیت نماید. (ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: r. 35) این تکلیف با مدیریت پیشگیرانه خطر وابستگی یا جانبداری و حفظ اعتبار نهادی دیوان، استقلال را از سطح اخلاق حرفه‌ای به تعهدی آیینی تبدیل می‌کند.

در ادامه، قواعد دادرسی و ادله با پیش‌بینی جایگزینی قاضی در مواردی مانند استعفا، معافیت، ردّ صلاحیت، عزل یا فوت و نیز امکان تعیین قاضی علی‌البدل در مرحله محاکمه، استمرار رسیدگی را تضمین می‌نمایند. (ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: rr. 37-39) همچنین، سوگند قضات پیش از آغاز خدمت، با تعهد به انجام وظایف به‌صورت شرافتمندانه، وفادارانه، بی‌طرفانه و وجدانی و رعایت محرمانگی تحقیقات، تعقیب و شورها، استاندارد استقلال و محرمانگی را تثبیت می‌کند. (ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: r. 5(1)(a)) این سوگند، در کنار قواعد مربوط به تخلفات انضباطی و عزل، بخشی از چارچوب مسئولیت‌پذیری قضات را تشکیل می‌دهد. (Rome Statute, 1998: arts. 45-47; ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: rr. 24-29)

اما تضمین‌های سازمانی استقلال محدود به قواعد ردّ صلاحیت نیست؛ بلکه شامل ساختار حکمرانی و بودجه نیز هست. اساسنامه رم مجمع دولت‌های عضو را مرجع تصمیم‌گیری درباره بودجه دیوان می‌داند و در عین حال نظارت مدیریتی بر ریاست، دادستان و دبیرخانه را نیز برای آن مقرر کرده است؛ همچنین امکان ایجاد نهادهای فرعی از جمله سازوکار نظارتی مستقل برای بازرسی، ارزیابی و تحقیق را پیش‌بینی می‌نماید. (Rome Statute, 1998: arts. 112(2)(b), 112(2)(d), 112(4)) در ادبیات موجود تصریح شده است که این نظام نظارتی با اصول عدم مداخله در فعالیت‌های تعقیبی و استقلال قضایی محدود می‌شود. (Steinberg, 2024: 330-331) بنابراین، استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی نه با حذف نظارت، بلکه با مرزبندی میان نظارت مدیریتی و مداخله ماهوی دنبال شده است.

در سطح بودجه، دیوان کیفری بین‌المللی از مسیر نسبتاً شفاف برای تصویب بودجه برخوردار است و نسبت به کمک‌های داوطلبانه نیز حساسیت نهادی دارد؛ چنان‌که از دولت‌ها خواسته شده اعلام کنند کمک‌هایشان برای اثرگذاری بر استقلال دیوان نیست و رئیس دفتر نیز در صورت تردید می‌تواند از پذیرش آن خودداری کند. (Song, 2007: 10; Zimmermann, 2014: 325-327) هرچند بودجه و کنترل بودجه‌ای در نظریه می‌تواند ابزار هدایت رفتار سازمانی باشد، تحلیل‌ها نشان می‌دهد مجمع دولت‌های عضو تاکنون از سطح یا تخصیص بودجه برای دستوردهی به ارکان دیوان درباره تعقیب یا عدم تعقیب وضعیت یا پرونده خاص، یا اعمال فشار بر شعب برای اتخاذ موضع حقوقی معین، استفاده نکرده است. (Steinberg, 2024: 332) با این حال، استقلال قضایی به معنای فقدان مطلق اثرات محیط مالی نیست؛ زیرا کمبود بودجه یا سقف‌گذاری‌های مالی، در صورت تضعیف توان دیوان برای انجام وظایفش، می‌تواند به اختلال در عملکرد مؤثر و مستقل، تأخیر در رسیدگی، انباشت پرونده‌ها و حتی فلج نهادی بینجامد. (Ingadottir, 2014: 608, 610-613; Zimmermann, 2014: 52-53)

۳. استقلال قضایی قضات در فرایند دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی

استقلال قضایی تنها در مرحله انتخاب، انتصاب یا تضمین‌های نهادی معنا نمی‌یابد، بلکه در متن رسیدگی و شیوه تصمیم‌گیری قضات نیز باید ظهور عملی داشته باشد. در این گفتار، استقلال قضات از منظر اداره دادرسی، تفسیر قانون، ارزیابی ادله و شفافیت تصمیم‌های قضایی بررسی می‌گردد.

۳-۱. استقلال قضات از حیث تفسیر قانون، ارزیابی ادله و هدایت فرایند دادرسی

استقلال قضات در دیوان کیفری بین‌المللی در متن دادرسی، به‌ویژه در قواعد تولید رأی و اداره جلسه، نمود عملی می‌یابد؛ زیرا استقلال ساختاری بدون انعکاس در فرایند رسیدگی و محصول نهایی، یعنی رأی، برای تضمین اعتماد عمومی و مشروعیت دادرسی کافی نیست. اساسنامه رم در این زمینه چند قاعده کلیدی مقرر کرده است: نخست، همه قضات شعبه بدوی باید در تمام مراحل محاکمه و شورها حاضر باشند و در صورت لزوم، قاضی علی‌البدل برای استمرار رسیدگی جایگزین شود؛ امری که از تغییر غیرشفاف ترکیب شعبه جلوگیری کرده و مشارکت کامل قضات را تضمین می‌نماید. (Rome Statute, 1998: art. 74(1); ICC Rules of Procedure) and Evidence, 2002: r. 39 دوم، رأی باید بر ارزیابی ادله، حدود اتهامات و ادله‌ای مبتنی باشد که در محاکمه ارائه و درباره آن بحث

شده است؛ بنابراین تصمیم قضایی به فرایند رسمی دادرسی و مواد پرونده مقید می‌گردد. (Rome Statute, 1998: art. 74(2)) سوم، تصمیم‌گیری شعبه بدوی در قالب جمعی و با تلاش برای اتفاق آرا انجام می‌شود و در صورت عدم توافق، رأی اکثریت همراه با انعکاس دیدگاه اقلیت صادر می‌گردد. (Rome Statute, 1998: art. 74(3), 74(5); Oellers-Frahm, 2019: para. 29) چهارم، محرمانگی شور قضایی از قضات در برابر فشارهای بیرونی هنگام تولید رأی حمایت می‌کند، در حالی که الزام به صدور رأی مکتوب، مستدل و علنی، شفافیت محصول نهایی را تضمین می‌نماید. (Rome Statute, 1998: arts. 74(4)–(5))

در کنار قواعد تولید رأی، آیین اخلاق قضایی رفتار قضات در اداره جلسه را نیز تنظیم می‌نماید و آنان را به حفظ نظم، برخورد صبورانه و محترمانه با مشارکت‌کنندگان و رعایت حمایت و انتفاع برابر از قانون، به‌ویژه در مواجهه با شهود و بزه‌دیدگان، ملزم می‌سازد. (Rome Statute, 1998: art. 64(2); ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: r. 88(5); ICC Code of Judicial Ethics, 2022: art. 9(2)) بدین ترتیب، استقلال در ICC فقط به معنای مصونیت از سیاست نیست، بلکه اقتدار قاضی برای اداره منصفانه دادرسی و جلوگیری از سلطه ناموجه طرفین یا فضای عمومی را نیز دربرمی‌گیرد. همچنین، قضات باید آزادی بیان و مشارکت اجتماعی خود را چنان اعمال کنند که استقلال یا بی‌طرفی آنان مخدوش نشود یا چنین به‌نظر نرسد و از اظهار نظر درباره پرونده‌های در جریان خودداری نمایند؛ زیرا موضع‌گیری عمومی می‌تواند رأی بعدی را متأثر از افکار عمومی یا موضع پیشین قاضی جلوه دهد. (ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 10(1)–(2)) از این‌رو، استقلال در دیوان کیفری بین‌المللی مستلزم حفظ ظاهر بی‌طرفی نیز می‌باشد. (ICC Code of Judicial Ethics, 2022: art. 4(1))

۳-۲. استقلال قضات از حیث شفافیت تصمیم‌های قضایی

شفافیت تصمیم‌های قضایی و امکان صورت‌بندی اختلاف نظر قضات، یکی از نقاطی است که در آن استقلال و پاسخ‌گویی به هم می‌رسند. دیوان کیفری بین‌المللی در اسناد مؤسس خود، هم‌زمان چند لایه شفافیت را پیش‌بینی کرده است: (۱) الزام به رأی مکتوب مستدل؛ (۲) اعلام رأی یا خلاصه آن در جلسه علنی؛ (۳) درج دیدگاه اقلیت در صورت فقدان اتفاق آرا؛ و (۴) در مرحله تجدیدنظر، امکان ارائه نظر جداگانه یا مخالف در پرسش حقوقی.

در سطح شعبه بدوی، اساسنامه رم الزام می‌کند که رأی باید مکتوب باشد و بیان کامل و مستدل یافته‌های دادگاه درباره ادله و نتیجه‌گیری‌ها را دربرگیرد. همچنین مقرر می‌کند شعبه بدوی باید یک تصمیم واحد صادر کند و اگر اتفاق نظر نباشد، رأی باید دیدگاه اکثریت و اقلیت را شامل شود و رأی یا خلاصه آن در جلسه علنی قرائت گردد. (Rome Statute, 1998: art. 74(5)) این سازوکار از منظر استقلال دارای دو کارکرد است. نخست، استقلال از پنهان‌کاری: دادگاه مستقل نمی‌تواند تصمیم خود را بی‌دلیل و بدون استدلال صادر کند؛ زیرا فقدان استدلال، امکان نسبت دادن تصمیم به فشارهای بیرونی یا انگیزه‌های نامشروع را افزایش می‌دهد. (Meron, 2005: 359–360) دوم، استقلال از وحدت‌نمایی مصنوعی: اجازه ثبت دیدگاه اقلیت نشان می‌دهد که دادگاه مجبور نیست برای نمایش انسجام، اختلاف نظر را پنهان کند؛ بلکه استقلال فکری قضات در قالب حقوقی رسمی به رسمیت شناخته می‌شود.

در سطح شعبه تجدیدنظر نیز، اساسنامه رم اعلام می‌کند رأی شعبه تجدیدنظر با اکثریت اتخاذ و در جلسه علنی اعلام می‌شود و باید دلایل خود را بیان نماید. همچنین اگر اتفاق نظر وجود نداشته باشد، رأی باید دیدگاه اکثریت و اقلیت را منعکس کند و افزون بر آن، قاضی می‌تواند در پرسش حقوقی نظر جداگانه یا مخالف ارائه دهد. (Rome Statute, 1998: art. 83(4)) این قاعده در نسبت با استقلال قضایی اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا مرحله تجدیدنظر معمولاً با حساسیت سیاسی و رسانه‌ای بیشتری همراه است و در عین حال موضوعات حقوقی بنیادین‌تری را مطرح می‌نماید. امکان ارائه نظر جداگانه/مخالف، استقلال را در سطح تکثر روش‌شناختی و هنجاری تقویت نموده و به خواننده حقوقی نشان می‌دهد که استدلال اکثریت ناگزیر و یگانه تفسیر ممکن نبوده است.

البته شفافیت و تکثر آراء می‌تواند پیامدهای دوگانه داشته باشد. از یک سو، درج دیدگاه اقلیت و نظر جداگانه می‌تواند اعتماد را افزایش دهد؛ زیرا نشان می‌دهد دادگاه از بحث حقوقی واقعی برخوردار بوده و رأی نتیجه چانه‌زنی سیاسی یا تبعیت کورکورانه از یک جهت‌گیری خاص نیست. از سوی دیگر، اگر اختلاف نظرهای زیاد و در مسائل بنیادین باشد، ممکن است انسجام رویه قضایی را کاهش دهد و به ادراک عدم قطعیت حقوقی در دیوان دامن بزند. اسناد دیوان در اینجا راه میانه را انتخاب کرده‌اند: در بدوی، رأی واحد لازم است اما دیدگاه اقلیت در متن همان رأی منعکس می‌شود؛ در تجدیدنظر، افزون بر بیان دیدگاه اقلیت در متن رأی، امکان نظر جداگانه/مخالف در پرسش حقوقی وجود دارد. (Rome Statute, 1998: arts. 74(5), 83(4)) از لحاظ تحلیلی، این ساختار نشان

می‌دهد که دیوان کیفری بین‌المللی استقلال را نه به معنای پراکندگی آراء، بلکه به معنای شفافیت اختلاف استدلال در چارچوب وحدت تصمیم طراحی کرده است.

از منظر آیین اخلاق قضایی نیز، قواعدی که قضات را به رعایت محرمانگی شورها و خودداری از اظهارنظر درباره پرونده‌های در جریان ملزم می‌سازد، به حفظ تعادل میان محرمانگی فرایند و شفافیت تصمیم کمک می‌کند؛ به این معنا که محرمانگی به فرایند شور مربوط است، در حالی که شفافیت در رأی مکتوب و مستدل و در اعلام علنی آن متجلی می‌شود. (ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: r. 5(1) (a); ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 6, 10(2); Rome Statute, 1998: arts. 74(5), 83(4) به این ترتیب، استقلال و شفافیت در دیوان کیفری بین‌المللی بر شالوده‌ای دوگانه بنا شده است: سرّی بودن فرایند شور برای محافظت از تصمیم‌گیری و علنی بودن رأی مستدل برای پاسخ‌گویی و اعتماد عمومی.

۴. چالش‌های عملی استقلال قضایی قضات دیوان کیفری بین‌المللی

هرچند اسناد دیوان مجموعه‌ای از تضمین‌های حقوقی و آیینی برای استقلال قضات پیش‌بینی کرده‌اند، کارآمدی این تضمین‌ها در بستر واقعی فعالیت دیوان همواره با آزمون‌های عملی روبه‌روست. از این رو، این گفتار نخست آسیب‌پذیری‌های ساختاری و بیرونی استقلال قضایی را تحلیل می‌کند و سپس نمودهای پرونده‌ای آن را مورد توجه قرار می‌دهد.

۴-۱. نگاهی آسیب‌شناسی به استقلال قضات دیوان کیفری بین‌المللی

ارزیابی استقلال قضایی قضات دیوان کیفری بین‌المللی زمانی معتبر است که میان استقلال در متن قواعد و استقلال در فضای عملی و محیط سیاسی تفکیک حاصل گردد؛ زیرا ممکن است طراحی هنجاری دقیق باشد، اما فشارهای بیرونی یا درونی استقلال را در عمل فرسایش دهند. از منظر عملی نیز صرف ادعا برای اثبات خدشه به استقلال یا بی‌طرفی کافی نیست، بلکه باید بر اساس معیار ناظر متعارف آگاه و با توجه به اثر آن بر دادرسی عادلانه سنجیده شود. (توحیدی و رشیدی، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۲)

از نقاط قوت ساختار دیوان کیفری بین‌المللی، نخست شناسایی صریح استقلال قضات و ممنوعیت فعالیت‌هایی است که در انجام وظایف قضایی قضات اخلاص کرده یا اعتماد عمومی به استقلال را مخدوش می‌سازد؛ امری که استقلال را هم در قالب قانون منصب

و هم در قالب اخلاق منصب نهادینه می‌سازد. (Rome Statute, 1998: arts. 40(1)-(2); ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 3(1),)

(3) دوم، سازوکارهای تعارض منافع و رد صلاحیت است؛ به‌ویژه معیار تردید معقول نسبت به بی‌طرفی، تفصیل مصادیق آن و تکلیف قاضی به درخواست کناره‌گیری در صورت وجود مبنای رد صلاحیت، که در سطح قاعده مانع تبدیل پرونده به عرصه نفوذ بیرونی می‌گردد. (Rome Statute, 1998: art. 41(2)(a); ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: r. 34(1))

منع کاهش حقوق و مزایا، دوره نه‌ساله مأموریت، قاعده کلی عدم انتخاب مجدد و فرایند دشوار عزل با نصاب‌های تشدیدشده، از عناصر مهم استقلال فردی قضات‌اند. (Rome Statute, 1998: arts. 36(9), 49; Brauch, 2021: para. 6; Mackenzie et al., 2010: 196)

چهارم، الزام به ابتدای رأی بر ادله مطرح‌شده و مورد بحث نزد شعبه، همراه با ضرورت صدور رأی مکتوب، مستدل و علنی و امکان انعکاس دیدگاه‌های اکثریت، اقلیت یا نظر جداگانه و مخالف، استقلال تصمیم قضایی را از طریق پیوند رأی با فرایند رسمی دادرسی و استدلال حقوقی تقویت می‌نماید. (Rome Statute, 1998: arts. 74(2), 74(5), 83(4))

با وجود نقاط قوت ساختار دیوان کیفری بین‌المللی، استقلال نهادی و فردی آن همچنان آسیب‌پذیر است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های بیرونی، به پیوند اساسنامه رم با شورای امنیت و محیط سیاسی بین‌المللی مربوط می‌شود؛ زیرا شورای امنیت می‌تواند وضعیت‌هایی را به دیوان ارجاع دهد یا آغاز و ادامه تحقیقات و تعقیب را برای دوره‌های مشخص به تعویق اندازد. (Rome Statute, 1998: arts. 13(b), 16)

هرچند این اختیارات لزوماً مداخله مستقیم در تصمیم قضایی نیست، اما مسیر دسترسی دیوان به پرونده‌ها و زمان‌بندی عملی آن را در معرض تصمیم‌های سیاسی قرار می‌دهد و از همین رو، نسبت به اثر تعویق قابل تمدید شورای امنیت بر تمامیت فرایند قضایی و استقلال مؤثر دیوان نگرانی‌هایی مطرح شده است. (Mahoney, 2008: 338-339) از همین منظر، آسیب‌پذیری استقلال نهادی دیوان تنها به مرحله صدور رأی یا فشار مستقیم بر قضات محدود نیست، بلکه از مرحله گزینش وضعیت‌ها نیز آغاز می‌شود؛ زیرا گزینش‌گری، هرچند ویژگی اجتناب‌ناپذیر کارکرد دیوان کیفری بین‌المللی است، در صورت فقدان معیارهای شفاف، منسجم و قابل توجیه، می‌تواند ادراک سیاسی شدن دیوان و تردید نسبت به استقلال و بی‌طرفی آن را تقویت نماید.

(Zakerhossein, 2017: 3, 6-7) پژوهش‌های فارسی نیز ضمن تأکید بر اینکه رابطه دیوان و شورای امنیت الزاماً به سیاسی شدن دیوان نمی‌انجامد، هشدار داده‌اند که دیوان برای حفظ کارایی، مشروعیت و استقلال خود ناگزیر از لحاظ‌کردن آثار تصمیم‌های شورای امنیت، به‌ویژه در موضوع تعویق تحقیق یا تعقیب است. ر.ک.: (رضوی‌فرد و براتی، ۱۴۰۲: ۹۰، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۱۰-۱۱۱؛ جلالی و زیلابی، ۱۳۹۳: ۲۳، ۳۵-۳۶)

۳۶؛ توحیدی و رشیدی، پیشین: ۱۱، ۲۵) همچنین، ارجاع گزینشی وضعیت‌ها بر پایه منافع سیاسی و معیارهای دوگانه و اختیار تعویق می‌تواند به مداخله در اختیارات و استقلال دیوان و تضعیف اعتبار و کارایی آن بینجامد. (رضوی‌فرد و براتی، پیشین: ۱۰۳، ۱۰۵؛ جلالی و زیلابی، پیشین: ۳۶-۳۷)

گونه‌ای دیگر از آسیب‌پذیری استقلال دیوان کیفری بین‌المللی، فشارهای سیاسی - اقتصادی خارجی، به‌ویژه اقدامات تنبیهی علیه مقامات و کارگزاران دیوان است. کارشناسان مستقل سازمان ملل متحد، تحریم قضات و مقامات دادستانی دیوان از سوی آمریکا را «حمله‌ای مستقیم به استقلال این نهاد قضایی» و ضربه‌ای جدی به بزه‌دیدگان دانسته و تأکید کرده‌اند که مأموران عدالت کیفری بین‌المللی باید بدون ارباب، مانع‌تراشی، آزار یا مداخله ناروا وظایف خود را انجام دهند. (OHCHR, 2025) در ادبیات فارسی نیز تحریم قضات دیوان، به دلیل مخدوش کردن مصونیت لازم برای انجام وظایف و تضمین استقلال قضایی، تهدیدی عملی برای استقلال آنان دانسته شده است. (داعی‌الاسلام، ۱۴۰۱: ۱۳۹، ۱۵۰-۱۵۱، ۱۵۵) بنابراین، استقلال قضایی دیوان تنها از قواعد داخلی آسیب نمی‌بیند، بلکه فشار دولت‌های قدرتمند در محیط بین‌المللی نیز می‌تواند با هزینه‌دار کردن تصمیم قضایی، استقلال قاضی یا دادستان را به چالش بکشد. در سطح استقلال نهادی و در ارتباط با استقلال بیرونی، نسبت میان اداره دیوان، حکمرانی مجمع دولت‌های عضو و استقلال قضایی اهمیت ویژه دارد. اساسنامه رم، مجمع را مرجع تصمیم‌گیری درباره بودجه و برخوردار از برخی صلاحیت‌های نظارتی و مدیریتی در زمینه اداره دیوان می‌داند ((Rome Statute, 1998: arts. 112(2)(b), 112(2)(d), 112(4)). از این‌رو، مسئله اساسی در این سطح نه صرف وجود نظارت مدیریتی یا صلاحیت بودجه‌ای مجمع، بلکه حفظ مرز میان نظارت اداری، مالی و نهادی مشروع از یک سو و مداخله ناروا در فعالیت‌های قضایی دیوان از سوی دیگر می‌باشد (Steinberg, 2024: 330-332). از منظر عملی نیز، کارآمدی دیوان تنها به استقلال رسمی یا فقدان مداخله مستقیم وابسته نیست، بلکه به برخورداری از ظرفیت عملی برای تحقیق، گردآوری ادله، دسترسی به اشخاص و اجرای مؤثر وظایف خود نیز بستگی دارد؛ ظرفیتی که در نظام اساسنامه رم تا حد قابل‌توجهی متکی به همکاری دولت‌هاست (Rome Statute, 1998: arts. 86-89, 93; Posner & Yoo, 2005: 68-69).

بنابراین، ارزیابی کفایت تضمین‌های پیش‌بینی‌شده در دیوان کیفری بین‌المللی باید دو سطح را توأمان لحاظ کند: در سطح قواعد، اساسنامه رم سازوکارهای نسبتاً دقیق و چندلایه‌ای پیش‌بینی کرده است؛ اما در از حیث عملی، نقاط اتصال به تصمیم‌های سیاسی از مسیر ارجاع و تعویق، فشارهای سیاسی و تحریمی، و نیز ملاحظات بودجه‌ای و حکمرانی مجمع دولت‌های عضو، استقلال دیوان

۲-۴. نمونه‌های عملی استقلال قضات در برخی پرونده‌های دیوان کیفری بین‌المللی

برای سنجش استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی، بررسی پرونده‌هایی که مستقیماً مسئله استقلال، بی‌طرفی و رد صلاحیت را مطرح کرده‌اند اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد قواعد در عمل چگونه اجرا می‌شوند و مرز میان ادراک عینی خدشه به استقلال یا بی‌طرفی و اثبات جانبداری واقعی چگونه ترسیم می‌گردد. دو نمونه مورد بررسی، هرچند از نظر نوع و مرحله دادرسی متفاوت‌اند، هر دو در پرونده دادستان علیه بوسکو نتاگاندا^۴ مطرح شده‌اند و به این پرسش بازمی‌گردند که آیا رفتار یا نقش بیرونی یا پیشین قاضی، استقلال یا بی‌طرفی او را تا حد لزوم کنار گذاشتن از رسیدگی مخدوش می‌نماید یا خیر. نمونه نخست بیشتر ناظر بر استقلال قضایی، صحت ترکیب شعبه و اعتبار رأی می‌باشد، در حالی که نمونه دوم صریحاً در قالب بی‌طرفی و رد صلاحیت طرح شده است.

نمونه نخست به ایرادهای دفاع درباره وضعیت قاضی کونیکو اوزاکی^۵ مربوط است؛ موضوعی که پیش‌تر در قالب درخواست رد صلاحیت وی مطرح شده بود و سپس در لایحه تجدیدنظر بوسکو نتاگاندا به‌عنوان یکی از جهات تجدیدنظر مورد استناد قرار گرفت. (Request for Leave to Reply – Ntaganda, 2019: 3; Defence Appeal Brief – Ntaganda, 2019: paras. 1–5) در این لایحه، دفاع ادعا کرد که قاضی اوزاکی با پذیرش همزمان نقش دیپلماتیک برای دولت ژاپن، در حالی که همچنان قاضی دیوان کیفری بین‌المللی بود، ظاهر استقلال قضایی خود را از دست داده است. به باور دفاع^۶، این وضعیت می‌توانست اعتماد به استقلال او را بر اساس ماده ۴۰(۲) اساسنامه رم مخدوش سازد، صلاحیت او برای حضور در پرونده را از میان ببرد و مشارکتش در شور و صدور رأی را موجب بی‌اعتباری رأی کند. (Defence Appeal Brief – Ntaganda, 2019: paras. 1, 3) اهمیت این استدلال در آن است که دفاع، الزامات استقلال قضایی را واجد ماهیتی مستمر تلقی کرد؛ چنان‌که استدلال نمود استعفای بعدی قاضی اوزاکی از سمت سفیر ژاپن در استونی، به‌خودی‌خود استقلال قضایی او را اعاده نمی‌کند. (Defence Appeal Brief – Ntaganda, 2019: para. 14)

⁴ Situation in the Democratic Republic of the Congo, in the case of The Prosecutor v. Bosco Ntaganda

⁵ Kuniko Ozaki

⁶ The Defence

در تحلیل این نمونه، چند نکته درباره سازوکارهای دیوان کیفری بین‌المللی قابل استخراج است. نخست، دفاع معیار اعتماد به استقلال در ماده ۴۰(۲) را مبنای ارزیابی خدشه به استقلال قضایی قرار داد و خدمت دولتی قاضی را عامل مخدوش‌کننده این اعتماد دانست. (1. para. Defence Appeal Brief – Ntaganda, 2019) این برداشت با اساسنامه رم که هر فعالیت مداخله‌گر در وظایف قضایی یا مخدوش‌کننده اعتماد به استقلال قضات را ممنوع می‌سازد، سازگار می‌باشد. ((Rome Statute, 1998: art. 40(2)) دوم، این نمونه نشان می‌دهد استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی فقط به رفتار درون دادگاه محدود نیست و نقش‌ها یا اشتغالات بیرونی نیز می‌توانند استقلال یا ظاهر آن را تهدید نمایند؛ چنان‌که آیین اخلاق قضایی فعالیت‌های برون‌دادگاهی ناسازگار با وظیفه قضایی، مؤثر بر استقلال و بی‌طرفی یا دارای چنین ظاهر معقولی، و نیز تصدی وظایف سیاسی را محدود یا ممنوع می‌سازد. (ICC Code of Judicial Ethics, 2022: arts. 10(1)–(2), 11(1)–(2)) سوم، استدلال دفاع درباره محروم شدن دیوان از ترکیب صحیح نشان می‌دهد ادعای خدشه به استقلال می‌تواند با صحت تشکیل شعبه و اعتبار رأی پیوند بخورد؛ زیرا اساسنامه رم حضور همه قضات شعبه بدوی در محاکمه و شورها را لازم می‌داند و دفاع نیز بر همین مبنا به رأی ایراد گرفت. (Rome Statute, 1998: art. 74(1); Defence Appeal Brief – Ntaganda, 2019: 3)

نمونه دوم، درخواست وکلای بوسکو نتاگاندا برای کناره‌گیری یا رد صلاحیت قاضی گوچا لوردکیپانیدزه^۷ در مرحله تجدیدنظر از دستور جبران خسارت ۸ مارس ۲۰۲۱ می‌باشد. دفاع استدلال کرد که عضویت پیشین او در هیئت‌مدیره صندوق امانی بزه‌دیدگان (TFV)^۸، نقش وی در فعالیت‌های آن و مشارکت مرتبط با ارزیابی صلاحیت بزه‌دیدگان، می‌تواند نزد ناظر آگاه و معقول نسبت به بی‌طرفی او تردید ایجاد کند؛ زیرا موضوع تجدیدنظر به حدود و شیوه اجرای جبران خسارت و نقش همان نهاد مربوط بود. (Request Seeking Judge Lordkipanidze to Recuse Himself, 2021: 13–14) دفاع همچنین بر هم‌پوشانی زمانی عضویت قاضی در TFV با مرحله جبران خسارت نتاگاندا، نقش محوری TFV در پرونده و ارتباط برخی بزه‌دیدگان پرونده لوبانگا^۹ با پرونده نتاگاندا تأکید کرد. مبنای حقوقی درخواست دفاع، از حیث اختیار طرح رد صلاحیت، ماده ۴۱(۲)(b) اساسنامه رم و از حیث جهت مورد استناد، قاعده ۳۴(۱)(c) قواعد دادرسی و ادله بود. دفاع همچنین با استناد به معیار ناظر معقول و آگاه استدلال کرد که برای رد صلاحیت، اثبات

⁷ Gocha Lordkipanidze

⁸ Trust Fund for Victims

⁹ The Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo

جانبداری واقعی ضرورت ندارد و کافی است اوضاع و احوال، به‌طور عینی، موجب تردید معقول نسبت به بی‌طرفی قاضی گردد.

(Request Seeking Judge Lordkipanidze to Recuse Himself, 2021: paras. 3–4, 15, 30–31)

تحلیل این نمونه سه نتیجه اصلی برای سنجش استقلال و بی‌طرفی قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی دارد. نخست، سازوکار رد صلاحیت بر معیار تردید معقول نسبت به بی‌طرفی و ادراک ناظر آگاه و معقول استوار است. (Rome Statute, 1998: art. 41(2) (a);) دوم، خطر خدشه به بی‌طرفی فقط ناشی از فشار سیاسی بیرونی نیست، بلکه تعارض منافع و نقش‌های نهادی پیشین نیز می‌تواند مبنای ایراد باشد؛ چنان‌که آیین اخلاق قضایی قضات را از تعارض منافع یا موقعیت‌هایی که معقولاً چنین ادراک شوند منع می‌نماید. (ICC Code of Judicial Ethics, 2022: art. 4(2)) سوم، در پرونده نتاگاندا، دفاع نقش TFV در جبران خسارت و پیشینه قاضی در همان نهاد را مبنای خدشه به بی‌طرفی دانست؛ به‌ویژه از آنجا که حدود مشارکت TFV و واگذاری برخی وظایف قضایی به آن نیز در تجدیدنظر محل ایراد بود. (Request Seeking Judge Lordkipanidze to Recuse Himself, 2021: 3–4, 13–14) بنابراین، کانون این نمونه بیش از استقلال به معنای خاص ماده ۴۰، بی‌طرفی، تعارض نقش و امکان رد صلاحیت می‌باشد.

این دو نمونه نشان می‌دهد که در دیوان کیفری بین‌المللی، قواعد استقلال و بی‌طرفی می‌توانند در قالب ایرادهای شکلی و ماهوی در جریان رسیدگی مطرح شوند. در نمونه نخست، دفاع با استناد به ماده ۴۰ اساسنامه رم و الزامات حضور و مشارکت قضات در شور و تصمیم‌گیری، استدلال کرد که فقدان استقلال یا مخدوش شدن اعتماد به آن می‌تواند بر صحت ترکیب شعبه و اعتبار رأی اثر بگذارد. (Defence Appeal Brief – Ntaganda, 2019: paras. 1, 3) در نمونه دوم، دفاع با اتکا به ماده ۴۱ اساسنامه و قواعد رد صلاحیت، امکان طرح ایراد شکلی – حقوقی نسبت به بی‌طرفی قاضی را مطرح ساخت. (Request Seeking Judge Lordkipanidze to Recuse Himself, 2021: paras. 3, 11–15, 35; ICC Rules of Procedure and Evidence, 2002: rr. 34–35) بر این اساس، استقلال و بی‌طرفی قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی صرفاً اصولی اعلامی نیستند، بلکه از طریق سازوکارهای آیینی و پرونده‌ای قابل طرح و رسیدگی‌اند؛ هرچند اسناد مورد بحث بازتاب‌دهنده استدلال‌های دفاع‌اند و نتیجه نهایی و میزان اثربخشی آنها به تفسیر شعب و نهادهای تصمیم‌گیر داخلی دیوان بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی استقلال قضایی قضات در دیوان کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که این اصل، نه صرفاً آرمانی اخلاقی، بلکه رکن بنیادین دادرسی منصفانه و شرط مشروعیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد. اسناد دیوان، از اساسنامه رم تا قواعد دادرسی و ادله و آیین اخلاق قضایی، استقلال را مفهومی چندبعدی می‌دانند که هم استقلال نهادی دیوان و هم استقلال شخصی قاضی را دربرمی‌گیرد و اقتضا دارد قاضی صرفاً بر پایه واقعیت‌های موضوعی پرونده، ادله و قانون، فارغ از فشار سیاسی، نفوذ ناموجه، مداخله بیرونی یا تعارض منافع تصمیم‌گیری نماید.

استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی با بی‌طرفی پیوندی نزدیک دارد، هرچند با آن یکسان نیست: استقلال امکان تصمیم‌گیری آزاد را فراهم می‌کند و بی‌طرفی تضمین می‌نماید که این تصمیم‌گیری در واقع و ظاهر، از جانبداری و تعارض منافع دور باشد. از این‌رو، نظام حقوقی دیوان این اصل را از طریق تضمین‌هایی مانند شرایط انتخاب قضات، مدت مأموریت، منع کاهش حقوق و مزایا، مصونیت‌ها، ممنوعیت فعالیت‌های ناسازگار با مقام قضایی و سازوکارهای رد صلاحیت، کناره‌گیری و جایگزینی قاضی تقویت کرده است.

در فرایند دادرسی نیز استقلال قضایی در الزام به حضور قضات در رسیدگی و شور، محرمانگی شور، اتکای رأی به ادله مطرح‌شده در دادرسی و صدور آرای مستدل و علنی نمود می‌یابد. با این حال، استقلال قضایی در عمل با چالش‌هایی مانند سیاسی بودن محیط بین‌المللی، نقش مجمع دولت‌های عضو در انتخاب و بودجه، پیوندهای حقوقی - سیاسی با شورای امنیت و فشارهای بیرونی علیه دیوان و قضات روبه‌روست. نمونه‌های پرونده‌ای نیز نشان می‌دهند که خدشه به استقلال یا بی‌طرفی می‌تواند در قالب ایرادات آیینی و درخواست رد صلاحیت مطرح گردد. بنابراین، استقلال قضایی در دیوان کیفری بین‌المللی اصلی هنجاری است که اعتبار دیوان و اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری بین‌المللی به کارکرد مؤثر آن وابسته است. بی‌گمان، تقویت شفافیت، شایسته‌سالاری، مدیریت تعارض منافع و به ویژه جلوگیری از دخالت سیاسی در انجام وظایف قضایی دیوان در تحکیم اعتبار این نهاد نقش اساسی دارد.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- توحیدی، احمدرضا و رشیدی، مهناز (۱۳۹۵). استقلال و بی‌طرفی رسیدگی‌های قضایی در نظام کیفری بین‌المللی. نشریه حقوقی دادگستری ۸۰(۹۵): ۱۱-۳۲.
- جلالی، محمود و زیلابی، سلمان (۱۳۹۳). اصل استقلال قضایی در دیوان بین‌المللی کیفری. پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۱۸(۲): ۲۳-۴۷.
- داعی‌الاسلام، سید سعید (۱۴۰۱). تحریم قضاات دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایالات متحده آمریکا در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل. تمدن حقوقی ۵(۱۳): ۱۳۹-۱۶۰.
- داوودی، حسین، هادی، مهدی و احمدی حصار، فرشاد (۱۴۰۴). رد دادرس: اظهارنظر پیشین کیفری و اثر آن بر رسیدگی مدنی؛ نقدی بر رای شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی اشتهارد. دو فصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی ۴(۸): ۱۸۶-۲۰۹. doi: <https://doi.org/10.22034/analysis.2025.2069843.1110>
- رضوی‌فرد، بهزاد و براتی، محمد (۱۴۰۲). تأثیر شورای امنیت ملل متحد بر سیاسی‌شدن دیوان کیفری بین‌المللی. مجله حقوقی بین‌المللی ۴۰(۶۹): ۸۹-۱۱۶. doi: <https://doi.org/10.22066/CILAMAG.2023.701344>
- سلیمان زاده، فاطمه، صابر، محمود و مسعودی مقام، اسداله (۱۴۰۴). مسئولیت کیفری قضاات در صدور احکام غیر قانونی به دلیل انجام تعاملات فاسد (با مطالعه تطبیقی قوانین کشورهای اروپایی). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی ۸(۲۹): ۶۳-۱۰۳. doi: <https://doi.org/10.22034/law.2025.2063765.1667>

ب) منابع انگلیسی

- Beresford, S. (2002). The privileges and immunities of the International Criminal Court: Are they sufficient for the proper functioning of the Court or is there still room for improvement? San Diego International Law Journal, 3(1), 83-132.
- Brauch, M. D. (2021). Remuneration of international adjudicators. In H. Ruiz Fabri (Ed.), Max Planck Encyclopedia of International Procedural Law. Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law-mpeipro/e3302.013.3302>
- Coalition for the International Criminal Court. (2023). ICC judicial elections. Coalition for the International Criminal Court.
- Ingadottir, T. (2014). The financing of international adjudication. In C. P. R. Romano, K. J. Alter, & Y. Shany (Eds.), The Oxford Handbook of International Adjudication (pp. 594-616). Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law/9780199660681.003.0027>
- International Criminal Court. (2002). Rules of Procedure and Evidence, ICC-ASP/1/3, Part II.A.
- International Criminal Court. (2022). Code of Judicial Ethics, ICC-BD/02-03-22.
- Mackenzie, R., Malleson, K., Martin, P., & Sands, P. (2010). Selecting international judges: Principle, process and politics. Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199580569.001.0001>
- Mahoney, P. (2008). The international judiciary—Independence and accountability. The Law and Practice of International Courts and Tribunals, 7(3), 313-349. doi: <https://doi.org/10.1163/157180309X399654>

Meron, T. (2005). Judicial independence and impartiality in international criminal tribunals. *American Journal of International Law*, 99(2), 359-369. doi: <https://doi.org/10.2307/1562502>

Oellers-Frahm, K. (2019). International courts and tribunals, judges and arbitrators. In R. Wolfrum (Ed.), *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*. Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law:epil/9780199231690/e45>

Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. (2025, August 22). U.S. sanctions on ICC officials undermine independence of tribunal and justice for victims: UN experts [Press release].

Posner, E. A., & Yoo, J. C. (2005). Judicial independence in international tribunals. *California Law Review*, 93(1), 1-74. doi: <https://doi.org/10.15779/Z38070P>

Prosecutor v. Furundžija, Case No. IT-95-17/1-A, Judgement, International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Appeals Chamber, July 21, 2000.

Prosecutor v. Ntaganda, Case No. ICC-01/04-02/06-2443, Defence Appeal Brief—Part I, International Criminal Court, November 11, 2019.

Prosecutor v. Ntaganda, Case No. ICC-01/04-02/06-2350, Request for Leave to Reply to the Responses of the Prosecution (ICC-01/04-02/06-2349) and Victims' Legal Representatives (ICC-01/04-02/06-2348) to Request for Disqualification of Judge Ozaki, International Criminal Court, May 31, 2019.

Prosecutor v. Ntaganda, Case No. ICC-01/04-02/06-2690, Request seeking Judge Lordkipanidze to recuse himself or be disqualified to adjudicate the appeals against the Reparations Order issued by Trial Chamber VI on 8 March 2021, International Criminal Court, July 2, 2021.

Rome Statute of the International Criminal Court, July 17, 1998, 2187 U.N.T.S. 90.

Seibert-Fohr, A. (2014). International judicial ethics. In C. P. R. Romano, K. J. Alter, & Y. Shany (Eds.), *The Oxford Handbook of International Adjudication* (pp. 757-778). Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law/9780199660681.003.0035>

Seibert-Fohr, A. (2018). Codes of conduct for international judges. In H. Ruiz Fabri (Ed.), *Max Planck Encyclopedia of International Procedural Law*. Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law-mpeipro/e3123.013.3123>

Song, S.-H. (2007). The independence of the ICC and safeguards against political influence [Speech outline]. Symposium on the International Criminal Court, Beijing, China, February 3-4, 2007.

Steinberg, R. H. (2024). Politics and justice at the International Criminal Court. *Israel Law Review*, 57(2), 308-350. doi: <https://doi.org/10.1017/S0021223724000049>

Zakerhossein, M. H. (2017). Situation selection regime at the International Criminal Court: Law, policy, practice. Doctoral dissertation, Tilburg University. School of Human Rights Research Series, Vol. 82. Cambridge/Antwerp: Intersentia. doi: <https://doi.org/10.1017/9781780686585>

Zimmermann, D. (2014). The independence of international courts: The adherence of the international judiciary to a fundamental value of the administration of justice. Baden-Baden: Nomos. doi: <https://doi.org/10.5771/9783845253619>

References

Beresford, S. (2002). The privileges and immunities of the International Criminal Court: Are they sufficient for the proper functioning of the Court or is there still room for improvement? *San Diego International Law Journal*, 3(1), 83-132.

Brauch, M. D. (2021). Remuneration of international adjudicators. In H. Ruiz Fabri (Ed.), *Max Planck Encyclopedia of International Procedural Law*. Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law-mpeipro/e3302.013.3302>

Coalition for the International Criminal Court. (2023). ICC judicial elections. Coalition for the International Criminal Court.

Daei-al-Islam, S. S. (2023). Sanctions imposed by the United States of America on judges of the International Criminal Court in light of international law. *Legal Civilization*, 5(13), 139-160. (In Persian)

Davoodi, H., Hadi, M., & Ahmadi Hesar, F. (2026). Judge Recusal: Previous Opinion Made in a Criminal Case and Its Effect on Civil Proceedings; A Critique of the Judgment Rendered by the Second Branch of the Eshtehard General Civil Court. *Journal of Critical Analysis of Judicial Decisions*, 4(8), 186-209. doi: <https://doi.org/10.22034/analysis.2025.2069843.1110> (In Persian)

Ingadottir, T. (2014). The financing of international adjudication. In C. P. R. Romano, K. J. Alter, & Y. Shany (Eds.), *The Oxford Handbook of International Adjudication* (pp. 594-616). Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law/9780199660681.003.0027>

International Criminal Court. (2002). Rules of Procedure and Evidence, ICC-ASP/1/3, Part II.A.

International Criminal Court. (2022). Code of Judicial Ethics, ICC-BD/02-03-22.

Jalali, M., & Zeilabi, S. (2014). The Principle of Judicial Independence at the International Criminal Court. *Comparative Law Research Quarterly*, 18(2), 23-47. (In Persian)

Mackenzie, R., Malleon, K., Martin, P., & Sands, P. (2010). *Selecting international judges: Principle, process and politics*. Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199580569.001.0001>

Mahoney, P. (2008). The international judiciary—Independence and accountability. *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, 7(3), 313-349. doi: <https://doi.org/10.1163/157180309X399654>

Meron, T. (2005). Judicial independence and impartiality in international criminal tribunals. *American Journal of International Law*, 99(2), 359-369. doi: <https://doi.org/10.2307/1562502>

Oellers-Frahm, K. (2019). International courts and tribunals, judges and arbitrators. In R. Wolfrum (Ed.), *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*. Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law:epil/9780199231690/e45>

Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. (2025, August 22). U.S. sanctions on ICC officials undermine independence of tribunal and justice for victims: UN experts [Press release].

Posner, E. A., & Yoo, J. C. (2005). Judicial independence in international tribunals. *California Law Review*, 93(1), 1-74. doi: <https://doi.org/10.15779/Z38070P>

Prosecutor v. Furundžija, Case No. IT-95-17/1-A, Judgement, International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Appeals Chamber, July 21, 2000.

Prosecutor v. Ntaganda, Case No. ICC-01/04-02/06-2350, Request for Leave to Reply to the Responses of the Prosecution (ICC-01/04-02/06-2349) and Victims' Legal Representatives (ICC-01/04-02/06-2348) to Request for Disqualification of Judge Ozaki, International Criminal Court, May 31, 2019.

Prosecutor v. Ntaganda, Case No. ICC-01/04-02/06-2443, Defence Appeal Brief—Part I, International Criminal Court, November 11, 2019.

Prosecutor v. Ntaganda, Case No. ICC-01/04-02/06-2690, Request seeking Judge Lordkipanidze to recuse himself or be disqualified to adjudicate the appeals against the Reparations Order issued by Trial Chamber VI on 8 March 2021, International Criminal Court, July 2, 2021.

Razavi Fard, B., & Barati, M. (2023). The Effect of the United Nations Security Council on the Politicization of the International Criminal Court. *International Law Review*, 40(69), 89-116. doi: <https://doi.org/10.22066/CILAMAG.2023.701344> (In Persian)

Rome Statute of the International Criminal Court, July 17, 1998, 2187 U.N.T.S. 90.

Seibert-Fohr, A. (2014). International judicial ethics. In C. P. R. Romano, K. J. Alter, & Y. Shany (Eds.), *The Oxford Handbook of International Adjudication* (pp. 757-778). Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law/9780199660681.003.0035>

Seibert-Fohr, A. (2018). Codes of conduct for international judges. In H. Ruiz Fabri (Ed.), *Max Planck Encyclopedia of International Procedural Law*. Oxford: Oxford University Press. doi: <https://doi.org/10.1093/law-mpeipro/e3123.013.3123>

Soleimanzadeh, F., Saber, M., & Masoudi Magam, A. (2026). Criminal Liability of Judges in Issuing Illegal Rulings Due to Corrupt Interactions (A Comparative Study of European Laws). *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 8(29), 63-103. doi: <https://doi.org/10.22034/law.2025.2063765.1667> (In Persian)

Song, S.-H. (2007). The independence of the ICC and safeguards against political influence. Paper prepared for the Symposium on the International Criminal Court, Beijing, China, February 3-4, 2007.

Steinberg, R. H. (2024). Politics and justice at the International Criminal Court. *Israel Law Review*, 57(2), 308-350. doi: <https://doi.org/10.1017/S0021223724000049>

Tohidi, A. R., & Rashidi, M. (2016). Independence and Impartiality of Judicial Proceedings in the International Criminal Justice System. *The Judiciary Law Journal*, 80(95), 11-32. (In Persian)

Zakerhossein, M. H. (2017). Situation selection regime at the International Criminal Court: Law, policy, practice. Doctoral dissertation, Tilburg University. School of Human Rights Research Series, Vol. 82. Cambridge/Antwerp: Intersentia. doi: <https://doi.org/10.1017/9781780686585>

Zimmermann, D. (2014). The independence of international courts: The adherence of the international judiciary to a fundamental value of the administration of justice. Baden-Baden: Nomos. doi: <https://doi.org/10.5771/9783845253619>

پذیرفته شده / در انتظار انتشار / نسخه اولیه / ویراستاری نشده
Accepted / Awaiting Publication / Early Version / First Copyedited